



می‌کند و او را هدایت کند. از طرفی خواهرش دچار مشکلات روحی و افسردگی است و سعی دارد او را کنترل کند و در عین حال مادر کنار همه این اتفاقات بخش بزرگی از قصه یلدا و یحیی را می‌بینیم. پس در نتیجه این شخصیت تک بعدی نیست و ما در حال بررسی شرایط مختلف هستیم. با این حال عمده قصه ما این طرف است، چون یحیی کاراکتر اصلی و نقش یک و یلدا زن قصه و در واقع نقش مکمل است. به همین خاطر ما آن بخشی را که مربوط به یحیی است بیشتر می‌بینیم و گر نه ارتباط او با پدرش، سختی‌هایی که تحمل می‌کند و خودخواهی‌های خانواده‌اش به گونه‌ای است که حتی نمی‌توانیم بگوییم قصه زنانه است. از آن طرف ممکن است حامیان حقوق زنان اعتراض کنند و از طرف دیگر هم آقایان بگویند که اصلاً این سریال حامی حقوق زنان است. این تحلیل و درک آدم‌ها از این اتفاق است و به نظر من این همه تناقض جذابیت ایجاد می‌کند. چون یک قصه یک خطی بی‌حاشیه تحویل مردم نداده‌اید و به آن‌ها بگوید که درک تو از این قصه چیست؟ تو از این قصه چه چیزی را برداشت می‌کنی؟ تو چقدر ارتباط برقرار می‌کنی و تو کدام یک از این آدم‌ها هستی؟

یلدا ویژگی‌های زنانه کمتری دارد و شاید این مساله کمی این کاراکتر را دوست نداشته‌تینی کند؛ اینکه کمتر به ظاهر خود می‌رسد، کمتر از بیان زنانه عاطفی استفاده می‌کند و بیشتر پی دو دو تا چهار تا است تا احساسات. خود شما زنی با چنین ویژگی‌هایی را چقدر دوست دارید؟

کمرنگ بودن ویژگی‌های زنانه در کاراکتر تا حدودی به کلیشه‌های رایج تلویزیون مربوط می‌شود که این را جا انداخته اگر دختری نگاه عاشقانه به همسرش می‌کند پلکش را پایین بیندازد و یک نگاه نیمه خماری داشته باشد. ما اگر این حالت‌ها را ببینیم می‌گوییم که چقدر عاشقانه است اما در زندگی واقعی چقدر و در چه سطحی از فرهنگ جامعه چنین

چیزی وجود دارد؟ ما هنوز کسانی را داریم که با جمله «دوستت دارم» مشکل دارند و آن را به کار نمی‌برند و خجالت می‌کشند. اگر کسی وادارشان کند که چنین جمله‌ای را بگویند؛ سرخ می‌شوند، سرشان را پایین می‌اندازند و نمی‌دانند که چه کار باید بکنند. این شاید دختری از همان جنس اما قرن بیستمی است که جامعه این را از او خواسته تا به اجتماع برود و از پس مشکلاتش برآید. یلدا باید کار کند، زندگی بگرداند و آدم‌ها را مدیریت کند و از آن طرف می‌بینیم که در یک سکانس به یحیی ابراز علاقه می‌کند و به او می‌گوید: «بدبختی بهت علاقه‌ام دارم» و می‌رود و این همان خجالت است اما از جنس رفتارهای یک دختر امروزی. او حتی برای اینکه بخواهد ابراز احساسات هم کند کمی لات بازی درمی‌آورد و یک مقدار مقاومت دارد. این را قبول دارم که کلیشه را رعایت نمی‌کند ولی از این حیث که به واقعیت نزدیک است دوستش دارم چرا که شبیه فیلم‌ها نیست.

به نظر شما اگر یلدا را باز یگر دیگری بازی می‌کرد شکل دیگری می‌شد یا همین می‌شد اما با یک باز یگر دیگر؟ هدف از این سوال این است که تاثیر الیکا عبدالرزاقی بر یلدا بیشتر است یا تاثیر هادی مقدم دوست؟

فکر می‌کنم تاثیر هادی مقدم دوست بیشتر است. نه اینکه هنر پیشه را کاملاً کنترل کند اما به هر حال اگر شخص دیگری این نقش را بازی می‌کرد شاید نقش خیلی تفاوت‌ها می‌داشت. تاثیر کارگردان روی نقش بسیار زیاد بوده و اگر قرار باشد درصدی حساب کنیم، هفتاد درصد کارگردان و سی درصد باز یگر در آن نقش داشته‌اند.

نظر کلی شما راجع به کاراکتر یلدا چیست؟

راجع به یلدا گفته شده که او بی‌تربیت است. من این بی‌ادبی را متوجه نشدم جز

اینکه شخصی برایم توضیح داد که یلدا به مادر شوهرش رسماً دست‌تور داده که باید به پسرش بگوید با تو به دهات نیاید، اما من فکر می‌کنم این در واقع یک خواهش از او بود که اگر او این را به یحیی بگوید تاثیرش بیشتر است. مادر شوهر هم از آن دست آدم‌هایی است که کاملاً بر عکس یلدا است؛ از آن جنس آدم‌ها که نمی‌تواند حرفش را بزند و پسرش را درست هدایت کند و خیلی وقت‌ها متغیر می‌شود. برای همین یلدا تصمیم می‌گیرد که به این انفعال مادر شوهر تکانی بدهد و او را به سمت جلو ببرد؛ این بی‌ادبی نیست و یلدا آدم بدی نیست. یلدا در شرایط سختی قرار گرفته و دارد سعی می‌کند تا مدیریتش را تجربه کند که بالاچار بر شانه‌های او گذاشته شده؛ این حرف نهایی من راجع به یلدا است.

اینکه در کمدی ما زن باز یگر موفق کم داریم و شما یکی از آن‌ها هستید جایگاه قرص تری برای شما است تا حضور در نقش‌های جدی که صف زیادی پشت آن ایستاده است. شما به ثبات در کدام بیشتر فکر می‌کنید و تا به حال به این فکر کرده‌اید که در کدام ماندگار تر می‌شوید؟

من هنر پیشه هستم و برایم فرقی نمی‌کند که کمدی بازی کنم یا جدی، در تناثر بازی کنم یا تلویزیون و سینما؛ ولی طبیعی است که بخواهم پذیرفته شوم و دوستم داشته باشند و به عنوان یک هنر پیشه خوب مطرح شوم. دوست دارم نقش جدی و کمدی را تجربه کنم و در هر دو خوب باشم. من همه تلاشم را می‌کنم ولی اینکه در مسیر جدی چه اتفاقی بیفتد، نمی‌دانم. در کمدی تا حدودی موفق بوده‌ام ولی در کار جدی می‌شود گفت که هنوز نو پا هستم؛ چون بعد از سریال «گاهی به پشت سر نگاه کن»، این دومین پروژه‌ای است که من بعد از سال‌ها در آن نقش جدی بازی کرده‌ام و از طرفی این اولین نقش یک جدی برای من بوده است، پس باید ببینیم که چه پیش می‌آید.



فکر می‌کنم تاثیر هادی مقدم دوست بیشتر است. نه اینکه هنر پیشه را کاملاً کنترل کند اما به هر حال اگر شخص دیگری این نقش را بازی می‌کرد شاید نقش خیلی تفاوت‌ها می‌داشت. تاثیر کارگردان روی نقش بسیار زیاد بوده و اگر قرار باشد درصدی حساب کنیم، هفتاد درصد کارگردان و سی درصد باز یگر در آن نقش داشته‌اند